

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

مرحوم آخوند (ره) در مورد جمله معروف علمین یعنی ابن سینا و خواجه طوسی که فرموده‌اند: الدلالة تابعة للارادة می‌فرماید: مقصودشان دلالت تصدیقیه است؛ یعنی دلالت تصدیقی تابع اراده متکلم بوده و ارتباطی به دلالت وضعیه ندارد. چون مقام اثبات تابع مقام ثبوت است و دلالت تصدیقیه در مقام اثبات تابع ثبوت و اراده متکلم است.

اشکال اول این بود که چنین حملی به تعبیر مرحوم امام خمینی (ره) حمل بر معنای مبتذل و پیش پا افتاده بوده و تناسبی با مقام این دو بزرگوار ندارد؛ چون این معنا، معنایی بسیار واضح است. خصوصاً این‌که مرحوم آخوند (ره) مسئله تبعیت اثبات از ثبوت را نیز مطرح نمودند؛ مثل این‌که بگوئیم آنچه در جوی می‌رود آب است.

کلام مرحوم اصفهانی (ره) در اشکال بر مرحوم آخوند(ره)

اشکال دوم در کلمات مرحوم محقق اصفهانی (ره) ذکر شده‌است و ایشان می‌فرماید: برداشت مرحوم آخوند (ره) از کلام علمین با عبارات ایشان و بسیاری از بزرگان منطق قابل تطبیق نیست. برای این‌که این‌ها تصریح دارند دلالت وضعیه منحصر در دلالت تصدیقیه است؛ در حالی‌که مشهور می‌گویند دلالت وضعی تصویری است.

مرحوم محقق اصفهانی (ره) در ادامه از کلمات بزرگان برای تأیید فرمایش خود استفاده نموده‌اند. ابتدا کلام مرحوم علامه (ره) در الجوهر النضید که شرح منطق تجرید خواجه طوسی (ره) است را ذکر نموده که ایشان در مقام جواب از اشکال مرحوم علامه (ره) فرموده‌است: لفظ بالذات و من حیث هو هو دلالت بر معنا ندارد، بلکه اگر متکلم معنا را اراده کرد دلالت پدید خواهد آمد؛ لذا زمانی‌که معنای مطابقی لفظ اراده می‌شود معنای تضمینی آن را نمی‌توان اراده نمود.

ایشان در ادامه کلام مرحوم خواجه طوسی (ره) در شرح منطق اشارات ابن سینا را نقل نموده که ایشان می‌فرماید: دلالت وضعیه منوط به اراده متکلم که همان قانون وضع باشد است؛ یعنی اگر متکلم لفظ را گفت و معنایی را اراده کرد، لفظ دال بر این معنا می‌باشد. اما اگر لفظ را گفت و معنا را اراده نکرد، هیچ دلالتی وجود ندارد.

لذا به این سبب که ایشان دلالت وضعی را منحصر در دلالت تصدیقی می‌دانسته، سبب شده‌است که قطب الدین رازی و غیر او اشکال کنند که دلالت وضعی منحصر در دلالت تصدیقیه نیست.

مرحوم اصفهانی (ره) در ادامه می‌فرماید: پس از یک طرف ظاهر یا صریح کلمات در این است که دلالت وضعی منحصر در

دلالت تصدیقی است و از طرف دیگر به برهان اثبات شده است که اخذ اراده در موضوع له محال می باشد و راه حلی که مرحوم آخوند(ره)^[1] و ما ذکر نمودیم نیز کارساز نبود؛ لذا می گوئیم علقه‌ی وضعیه در جایی است که متکلم اراده‌ی تفهیمیه داشته باشد اما اگر متکلم چنین اراده‌ای نداشت، علقه‌ی وضعیه موجود نیست.^[2]

مرحوم آقای خوئی (ره) نیز به تبع مرحوم اصفهانی (ره) می فرماید: سه دلیل مرحوم آخوند (ره) بر استحاله وجود اراده در موضوع له صحیح است و لذا اگر لفظ بخواهد دلالت بر معنا نماید، باید میان این لفظ و معنا علقه‌ی وضعیه باشد که منحصر به دلالت تصدیقی است.

پس این که مرحوم آقای خوئی (ره) می فرماید: دلالت وضعی تصدیقی است یعنی اگر بخواهد دلالت وضعیه کارایی داشته باشد و لفظ دلالت بر معنا نماید و علقه‌ی وضعیه به وجود بیاید باید اراده تفهیمیه موجود باشد و اگر چنین نباشد هر چند لفظ موضوع له دارد و محقق شده است اما دلالت وضعیه موجود نیست.

بیان قول سوم در نزاع اول

در نزاع اول که آیا اراده داخل در موضوع له است یا خیر، دو قول را ذکر نمودیم: الف- مشهور: اراده در موضوع دخالت ندارد. ب- مرحوم صاحب فصول(ره): اراده در موضوع له دخالت دارد.

مرحوم اصفهانی (ره) در مورد نزاع اول قول سوم را بیان نموده و مورد مناقشه قرار می دهند. ایشان می فرماید: اگر اراده را به عنوان معنای حرفی یا آلی -معنایی که لحاظ استقلالی به آن تعلق نمی گیرد یا مقصود بالذات نیست- در موضوع اخذ نموده و بگوئیم اراده آلتی برای انتقال از لفظ به معنا است، محذوری ندارد. اما اگر قرار باشد به معنای اسمی -معنایی که ملحوظ بالذات است- اخذ شود یعنی مانند موضوع له ملحوظ باشد، صحیح نیست.

جمع بندی و بیان نظریه مختار

در این بحث که دلالت وضعی تصویری است کما این که مشهور چنین نظری دارند. یا دلالت وضعی تصدیقی است کما این که مرحوم اصفهانی (ره) و مرحوم خوئی (ره) به تبع اعلام منطقیین چنین نظری دارند، به نظر ما دلالت وضعی تصویری محض است و لذا نظر مشهور صحیح می باشد.

توضیح مطلب این که بحث در خود دلالت و علقه موجود میان لفظ و معنا است که می گوئیم این دلالت یا تصویری است یعنی از تصور لفظ تصور معنا محق می شود. یا دلالت تصدیقی است یعنی علقه در جایی است که متکلم اراده تفهیمیه نسبت به معنا داشته باشد.

به نظر ما برداشت مرحوم اصفهانی (ره) از کلام علمین صحیح نیست؛ چون این ها نمی گویند علقه‌ی وضعیه در جایی است که متکلم اراده‌ی تفهیم معنا را داشته باشد. بلکه مقصود ایشان اراده قانون وضع می باشد و تفاوت میان این دو اراده واضح است.

به بیان دیگر هر چند مرحوم طوسی (ره) در شرح منطق اشارات بحث از اراده را مطرح نموده اند، اما مقصود ایشان اراده‌ی قانون وضع می باشد؛ یعنی متکلم قانونی جاری وضع که بر این لفظ جاری می شود را اراده نماید نه این که بگوئیم معنا را می داند پس باید اراده تفهیمیه نسبت به مخاطب داشته باشد.

اشکال ما به مرحوم اصفهانی (ره) و مرحوم خوئی (ره) این است که دلالت وضعی تصویری محض می‌باشد؛ یعنی وضع تنها منشأ برای انتقال از تصور لفظ به تصور معنا است.

اما مرحوم اصفهانی (ره) می‌فرماید: اعلام منطقیین می‌گویند اگر قرار باشد علقه‌ی وضعیه میان لفظ و معنا موجود شود متکلم باید اراده تفهیم معنای موضوع^۱ له به مخاطب را داشته باشد؛ در حالی که چنین مطلبی از کلمات ایشان استفاده نمی‌شود.

بله اعلام می‌فرمایند: علقه‌ی وضعیه در صورتی موجود است که متکلم در دایره‌ی قانون وضع عمل نماید، اما این مطلبی روشن است چون خارج از قانون وضع لفظ دال بر آن معنا نیست. اما زائد بر این یعنی اراده تفهیم معنا از عبارات ایشان قابل استفاده نیست.

خلاصه این که به نظر ما اولاً الفاظ برای ذات معانی وضع شده‌اند؛ ثانیاً وضع چنین اقتضائی ندارد که لفظ کاشف از تحقق اراده متکلم در خارج باشد؛ ثالثاً دلالت وضعی تصویری است؛ رابعاً مراد از تبعیت دلالت از اراده که در کلمات علمین ذکر شده دلالت تصویری است و الا دلالت تصدیقی که مسلماً تابع اراده می‌باشد. مراد از اراده در کلمات ایشان نیز اراده معنای موضوع له نیست بلکه مراد اراده قانون وضع شده توسط واضع در مورد الفاظ است.

و صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِیْنَ

[1] □ در فرق بین معنای اسمی و حرفی گفته شد موضوع له هر دو عام است اما اگر اراده معنای استقلالی شود از اسم و اگر اراده معنای آلی شود از حرف استفاده می‌شود در مانحن فیه نیز واضع در موضوع له اراده را أخذ نکرده است.

[2] □ «ما أفاده۔ من أن مرادهما تأخر مقام الإثبات عن مقام الثبوت، و تبعية خصوص الدلالة التصديقية للإرادة، لا تبعية الدلالة الوضعية للإرادة۔ لا يوافق صريح هذين العظيمين و غيرهما من الأعاضم؛ من انحصار الدلالة الوضعية في التصديقية...» نهاية الدراية في شرح الكفاية، ج 1، ص: 71 به بعد.